



۱۴

در دوران کرونایی به روش صحیح از ماسک استفاده کنیم

زیر چتر ماسک

فروش صنایع دستی در حرجه‌های مجازی



۱۶



۱۵

محققان می‌گویند گسترش اتوماسیون شهری و رویه‌های جدیدی که در ماه‌های بعد از شیوع ویروس کرونا ایجاد شده، پایدار خواهد ماند

میراث کرونا برای آینده بشر



زندگی

سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ شماره ۵۶۴۰



روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۲

مسکن - ملی

شاپان از تهران:

وزارت مسکن هنوز جوابی به اعتراضات افرادی که در ثبت‌نام اولیه مسکن ملی فرم «ج» آنان فرمز بوده نداده است. چرا؟ بهتر است زودتر تکلیف متقاضیان روشن شود.

کالا- کیفیت

زارع از راسر:

وسایل خانگی برقی، صوتی و تصویری با کیفیت بازار کشور را اشباع کرده و دیگر خبری از اجناس باکیفیت نیست.

قرنطینه- همدلی

نجاتی از رامسر:

مردم فهیم ایران همکاری بسیار خوبی با دولت برای در خانه ماندن داشتند و یقیناً ثمره این همکاری و همدلی به‌زودی دیده می‌شود.

بلیت- قطار

یک شهروند:

متاسفانه مدیریت در قسمت استرداد پول بلیت قطارها در راه‌آهن بسیار ضعیف است. لطفا سامانه‌ای تلفنی برای این مساله راه‌اندازی شود.

کرونا- خوددرمانی

رضایی از تهران:

مصرف داروهای شیمیایی برای پیشگیری از کرونا در بین مردم رواج بسیاری یافته و امیدوارم وزارت بهداشت با اطلاع‌رسانی مناسب راجع به پرهیز از مصرف این داروها مانع آسیب به سلامت مردم شود.

شکست- کووید-۱۹

جهرمی از شیراز:

امیدوارم هرچه زودتر کمپین شکست کرونا به نتیجه مطلوب برسد و دوباره شاهد شادی و سلامت مردم باشیم.

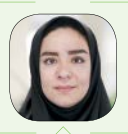
چاله - آسفالت

لوری از تهران:

بعد از بارندگی‌های اخیر تقریباً آسفالت بیشتر خیابان‌های تهران دچار آسیب‌دیدگی شده و تردد در خیابان‌های پر از چاله برای شهروندان حادثه‌ساز است. لطفا مسئولان شهرداری رسیدگی کنند.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ با عنوان «مترو- تهران» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل متروی تهران و حومه با ارسال نمایی اعلام کرد: ضمن تشکر از این مسافر گرامی به اطلاع می‌رساند پیشنهاد ایشان قابل‌تعمق است و برای بررسی بیشتر به مسؤولان مربوطه ارسال شد.



نگرس خاغانلی‌زاده

جامعه

این روزهایی که ویروس کوچک کرونا مدارس را تعطیل کرده است، اکبوم تصویریری تلفن‌های همراه معلم‌ها، پر از عکس تکالیف، دست‌خط‌ها، نقاشی‌ها و خلاقیت بچه‌ها شده است. روزهایی که معلم‌ها حتی بیشتر از روزهایی که به مدرسه می‌رفتند، با دانش‌آموزانشان حرف می‌زنند، معاشرت می‌کنند، درس می‌دهند و تکلیف می‌گویند، تکلیف‌ها را می‌بینند و بازخورد می‌دهند و امضا می‌کنند؛ اما همه اینها محدود به همین فضای مجازی، در برنامه‌های پیام‌رسان، پشت قاب‌های شیشه‌ای تلفن‌های همراه و خلاصه شده در پیغام‌های صوتی تصویری است. اما مثل هر اتفاقی، این موضوع هم استثنائاتی دارد؛ مثل روش تدریس علی حسین چام، معلم ۵۳ ساله یکی از روستاهای امیدیه خوزستان که کمی و شاید بیشتر از کمی، با تدریس دیگر همکارانش فرق می‌کند. او ده دانش‌آموز دارد که به تلفن‌های همراه هوشمند و سرعت‌های بالای اینترنت دسترسی ندارند؛ اما این چیزی نبوده است که بتواند آقای معلم و دانش‌آموزان را در دوران تعطیلی کرونایی، از درس و آموزش جدا کند.

حالا آقای چام، تقریباً یک روز در میان، صبح زود، پرایدش را روشن می‌کند، برکه‌های درسی‌اش را دستش می‌گیرد و تا ظهر نشد، بسته‌های آموزشی هر دانش‌آموز را به در خانه‌شان می‌برد و به دست شاگردانش می‌دهد.

علی حسین چام، از روزهایی تعریف می‌کند که خیلی به خواندن و نوشتن و یاد گرفتن سواد علاقه داشت اما نتوانست در هفت سالگی به مدرسه برود؛ و آن زمان مثل حالا نبود. من پدر نداشتم و با وجود این‌که خیلی به سواد و علم علاقه داشتم، اما کسی من را تا سن ده سالگی در مدرسه ثبت‌نام نکرد. یادم است آن زمان یکی از آشنایان با ایمان‌مان، به اسم آقای زاهد چکی‌نژادایان، وقتی علاقه من را به سواد دید، دست من را گرفت و به مدرسه روستایمان، روستای قلعه‌حمود که در بخش جایزان و از توابع شهرستان امیدیه استان خوزستان است برد و ثبت‌نام کرد؛ البته حالا دیگر او شهید چکی‌نژادیان است. او من را به آرزویم که درس خواندن بود، رساند و بعد خودش در جنگ تمحیلی ایران با عراق شهید شد. واقعا حقیقش شهادت بود؛ خدا رحمتش کند که قدم مهم و بزرگی برای من و زندگی‌ام برداشت.» از ده سالگی و آغاز دوره ابتدایی اقام چام خیلی گذشته است. حالا او بیشتر از ۲۷ سال است که معلم است؛ شغلی که با عشق و انگیزه و سختی آن را شروع کرده اما هنوز و بعد از این همه سال، چیزی از این علاقه‌اش کم نشده است.» به خاطر علاقه‌ای که به درس خواندن داشت، از همان دوران تحصیل به این‌که در آینده معلم بشوم فکر می‌کردم اما علاقه‌ام وقتی بیشتر شد که هر روز درباره معنویات و ارزش کار معلمی بیشتر می‌خواندم و می‌فهمیدم و دقیقاً همان روزی که سخنی از امام علی (ع) خواندم که هرکس کلمه‌ای به من پیاموز، من بنده او هستم، مصمم شدم و به سمت آموزش و پرورش استان حرکت کردم.» آقای چام از همکاری خانواده‌اش در این سال‌ها و در این راه برایمان گفت: «همسر و بچه‌هایم بهترین رفیق‌ها و مشوق‌های من برای رسیدن به اهدافم در این شغل هستند. می‌دانید؟ اگر به من باشد دلم می‌خواهد کل این روستا را با سواد کنم. خانواده‌ام همیشه به من

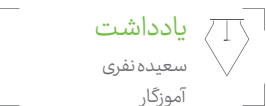
طی می‌کند و سختی‌های خودش را دارد. اما این‌که هنوز به مدرسه نرسیده، بچه‌ها و از دور می‌بینند، به استقبالش می‌آیند و خودشان را به آقا معلم‌شان می‌رسانند، به همه این سختی‌ها می‌آزند.» راستش را بخواهید من خیلی خدا را شکر می‌کنم که بچه‌ها من را دوست دارند. یعنی وقتی می‌بینم بچه‌ها آقادر مشتاق درس خواندن و سواد یاد گرفتن هستند و با دیدن من که اینها را یادشان می‌دهم، آقادر خوشحال می‌شوند، رضایت خدا را می‌بینم. اصلاً برای همین چیزها بود که همیشه دلم می‌خواست معلم بشوم.»

کروناکه آمد

اما با شیوع ویروس کرونا در کشور، مدرسه آقای چام و ده دانش‌آموز هم مثل همه مدرسه‌های کشور تعطیل شد. روزهای اول فکر می‌کردند که دوباره اوضاع عادی می‌شود اما با گذشت چند روز، آقای معلم دیگر طاقت نیاورد که روزها همین‌طور بگذرد و دانش‌آموزانش از درس‌هایشان عقب بمانند؛ «همه معلم‌ها مشغول به تدریس‌های اینترنتی شدند اما در بین دانش‌آموزان من فقط چهار نفر دسترسی به تلفن همراه و اینترنت داشتند که همان‌ها هم سرعت خیلی بالایی برای دریافت مطالب درسی نداشتند. برای همین باید فکر دیگری می‌کردم.» همین شد که شروع به نوشتن و جمع‌آوری مطالب آموزشی، درسنامه‌ها و آزمون‌های هر شش پایه دوره ابتدایی کرد تا آن را به روش دیگری به دست شاگردانش برساند؛ «مطالب جمع‌آوری شده را روی فلش ریختم و به کافی‌نت محل بردم و هرکدام را پرینت گرفتم. بعد آنها را برای هر دانش‌آموز تقسیم‌بندی کردم و در کیسه‌های جدا گذاشتم و با ماسک و دستکش، به سمت خانه‌های دانش‌آموزانم راه افتادم تا هرکدام از این بسته‌های آموزشی را شخصاً به دستشان برسانم.»

قرار نبود خبری شود

در همه این روزها، آقا معلم نمی‌دانسته که قرار است این نوع از روش تدریسش، سر و صدا کند و همه از آن باخبر شوند؛ «من فقط پیش خودم به این باور رسیده بودم که در این اوضاع و احوالی که همه کشور درگیر بیماری کرونا شده است، هرکسی باید هرکاری را که از دستش برمی‌آید انجام بدهد. پرستار و پزشک با رسیدگی به بیماران و معلم‌ها هم با تدریس از راه دور، خب من هم معلم هستم و حالا که امکان و فرصت آموزش از راه دور را نداشتم، به نظرم آمد این تنها کاری است که می‌توانم برای دانش‌آموزانم انجام بدهم.» و بعد از یک هفته، گزارش این نوع از تدریس او را برای آموزش و پرورش امیدیه ارسال می‌کند و همین می‌شود که خبر کار جالب و نوع آموزش متفاوت معلم محبوب روستا، بین همه می‌پیچد و رسانه‌ای می‌شود؛ «دلم می‌خواست اجر معنوی کارم حفظ بشود و راضی به منتشر شدنش نبودم اما اگر قرار باشد راهی و چراغی برای کسی باشد، همین هم برای من عبادت است.»



یادداشت

سعیده نفری

آموزگار

همه ما مسؤولیم

هر معلمی، رسالتی به عهده‌اش است که باید آن را به نحو احسن به انجام برساند؛ فرقی هم نمی‌کند در چه شرایطی قرار دارد. این معلم‌ها هستند که می‌توانند آینده زنان و مردان فردای جامعه را بسازند و کوچک‌ترین لغزش و بی‌اهمیتی، می‌تواند زندگی یک انسان را دگرگون کند. من این موضوع را در این روزهای بحران ویروس کرونا که به خدا ایمان داریم و با توکل به او این روزها را می‌گذرانیم، بیشتر از گذشته احساس می‌کنم. این که می‌بینم بچه‌ها با چه انگیزه و ذوقی، کاردستی‌های بسیار زیبایی درست می‌کنند و برای من می‌فرستند تا نظرم را بگویم؛ این که با چه نشاطی لباس‌های مدرسه‌شان را می‌پوشند و با سرودهای مختلف، ورزش و نرمش می‌کنند، با چه خط خوش و خوانایی تکالیفشان را انجام می‌دهند و منتظرند من آن را بررسی کنم، این که برایم پیغام‌های صوتی می‌گذارند و برای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی این‌قدر شوق و ذوق دارند، قلم برایشان می‌تپد.



واقعا حیف است این همه استعداد شکوفا نشود و این وظیفه ما معلم‌هاست که استعدادها و انگیزه‌هایشان را حتی از همین راه دور، از پشت تلفن‌های همراه و صفحه‌های مانی‌تور و آموزش فضای مجازی نادیده نگیریم. آنها حق دارند در روزهای کودکی و نوجوانی‌شان، بهترین آموزش‌ها را ببینند و از بهترین فرصت‌ها برای زندگی حال و آینده‌شان بهره‌مند باشند؛ فرقی هم نمی‌کند به صورت حضوری باشد یا مانند مخترع برق، توماس ادیسون، در خانه بمانند و از روش‌های مختلفی برای آموزش استفاده کنند. واقعیت این است که من به عنوان یک معلم، وظیفه خود می‌بینم هر روز که سراغ کلاس درس‌مان در فضای مجازی می‌روم، خدا را در نظر بگیرم و او را حاضر و ناظر بر تدریسم ببینم؛ برایشان وقت بگذارم، ایراداتشان را بگویم و اجازه ندهم حالا و در این روزهایی که به واسطه یک ویروس، نظم جهان به هم ریخته است، بچه‌های پاک و معصوم‌مان که مشتاق آموختن هستند، روزهایشان را به بطالت بگذرانند. حتما خدا در این روزها صلاح و حکمتی دارد که ما از آن بی‌خبر هستیم و کار درست این است که ما بهترین استفاده را از این روزهای سخت بکنیم تا در آینده جایی برای پشیمانی باقی نماند؛ حالا امید به فردایی داریم که ان‌شاء... بهترین‌ها برای همه‌مان حاصل می‌شود.